

# روز شهادت قهرمان ملی ایران خسرو روزبه ، روز مبارزه برای رهایی زندانیان سیاسی

## زندان و زندانیان سیاسی در ایران

دفاع مشترک از زندانیان سیاسی وظیفه مقدس کلیه نیروهائی است که با استبداد مبارزه می کنند

آن ، آماج فشار و یورش هیئت حاکمه قرار گرفته اند با تمام نیرو حمایت نموده ایم . حزب ما پیوسته معتقد بوده است که منافع مبارزه با امپریالیسم ، مبارزه همه جانبه ای را درراه دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی کشور ایجاد میکند و دفاع از زندانیان سیاسی ، بخش مهمی از این مبارزه است . از چنین موضع صحیح و منطقی است که حزب ما از همه سازمانها و گروههای سیاسی مخالف رژیم ، از تمام عناصر ملی و مترقی در داخل و خارج کشور دعوت میکند که با ساختن روز شهادت قهرمان ملی ایران

دفاع از زندانیان سیاسی ، وابسته به هر گروه و سازمان مخالف و یا موافق ماست . ما همواره برای تأمین دیرین حزب ماست . ما همواره برای تأمین دموکراسی ، ایجاد محیط مساعد بروز و پرورش عقاید و آراء و امکان عملی شرکت مردم در سرنوشت کشور مبارزه کرده ایم و از کلیه کسانی که بخاطر داشتن مواضع سیاسی و ایدئولوژیک مخالف رژیم و مبارزه در راه

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران



دنباله در صفحه ۴

## روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

کمیته مرکزی حزب توده ایران روز ۲۱ اردیبهشت ماه ، روز شهادت قهرمان ملی ایران ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران ، خسرو روزبه را بعنوان « روز دفاع از زندانیان سیاسی » تعیین میکند . همانطور که روز شهادت دکتر تقی ارانی ، رهبر زحمتکشان ایران ، « روز شهیدان حزب و نهضت » اعلام گردید ، از این پس در روز شهادت روزبه ، حزب ما بانگ خود را بدفاع از بندهای استبداد ، از فرزندان شرافتمند خلق که در سیاه چال ستمگر نشسته اند اعم از تعلق آنها به هر عقیده و گروه سیاسی رستار از همیشه بلند خواهد کرد .

ما از تمام نیروها و عناصری که علیه رژیم استبداد شاه میزنند دعوت میکنیم این روز را بعنوان روز زندانیان سیاسی برگزار کنند و بدینسان یاد کرد از شهادت خسرو را به یک عمل رزم آورانه همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند .

ما از تمام رفقای حزبی دعوت میکنیم که در این روز کلیه ابتکارات خود را برای نشان دادن پیوند و مهر خویش به زندانیان سیاسی بکار برند و از هیچگونه یک مادی و معنوی دریغ نورزند .

ما از همه هموطنان دعوت میکنیم بیاری زندانیان سیاسی بستانند ، رژیم درخیمانه شاه را افشاء کنند ، از قهرمانی های مجاهدان ضد ارتجاع و استعمار بشایستگی یاد کنند ، از حقوق حقه آنها مدافعه نمایند و نگذارند که رژیم در زیر سر پوش دوزخی اختناق تبهکاریهای خویش را پنهان سازد .

ما در این روز بخواننده های زندانیان سیاسی که در رنج و مقاومت عزیزان خویش شریکند درود میفرستیم .

جاوید یاد نام قهرمان انقلابی حزب و نهضت رهایی بخش ایران - خسرو روزبه

همه با هم در راه همبستگی رزمجویانه با زندانیان سیاسی ایران !  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

## تجاوز بیشتر مانده امریکا به کامبوج

و مردم که در تاریخ امریکا بسابقه است ، سیاست نیکسون را به بن بست کشانده است . روز نهم ماه مه بیش از صد هزار نفر جلو کاخ سفید و واشنگتن سیاست آدمکش و تجاوز نیکسون را محکوم و اراده مردم امریکا را بیابان جنگ تنگ آور امپریالیسم

هجوم وحشیانه امریکا و حکومت دست نشانده سایگون به کامبوج ، تجدید حملات هوایی بجمهوری دموکراتیک ویت نام و توسعه دامنه جنگ در تمام شبه جزیره هندوچین خشم و نفرت بی پایان مردم جهان را برانگیخته و صلح جهانی را با خطری جدی روبرو کرده است . نیکسون درخیم کاخ سفید که پیش از

رسیدن بمقام جلائی پتیا کون بمردم نوید صلح میداد و رای میاندوخت ، چهره زشت و منفور خود را حتی با آنها که در اشتباه بودند ، نشان داد . او روشن کرد که معنی فرا خواندن تدریجی نیروهای امریکا از ویت نام که چندین بار برای فرونشاندن جنبش ضد جنگ در امریکا و تسکین افکار عمومی جهانیان اعلام میداشت ، در فرهنگ امپریالیسم جهانخواه چه معنی دارد . دروغ گوئی و جنایتکاری نماینده بزرگترین کشور سرمایه داری جهان ، سرشت پلید این سیستم محکوم بمرگت را چنان روشن و آشکار کرد که حتی کشورهای عضو پیمان نظامی آتلانتیک هم ناچار از سیاست نیکسون باشکال گوناگون ابراز نگرانی کردند تا مگر از سیل نفرت افکار عمومی و عواقب ناشی از آن خود را برکنار نگهدارند . هم اکنون این نفرت بصورت تظاهرات مداوم در سراسر دنیا بخصوص در داخل امریکا تبدیل به نیروی مادی شگرفی شده که پایه های حکومت امریکا را بلرزه در آورده است . اعتصاب صد دانشگاه در امریکا و تظاهرات پر شور و بی دری دانشجویان

## یاد کرد سده میلاد لنین

### از جانب حزب توده ایران

حزب توده ایران در چارچوب امکانات خویش کوشید به پذیرنده سالگرد میلاد لنین برود و از این تاریخ بزرگ که مبداء پیدایش یکی از بزرگترین مردان دوران ساز جهان است یاد کند . با این عمل حزب به اعلامیه کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری مورخ ۱۷ ژوئن سال ۱۹۶۹ که از همه نیروهای مترقی و انقلابی جهان برپاداشتن این سالگذشت را خواسته بود ، پاسخ مثبت داد . پلنوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از استماع گزارش ویژه



خسرو روزبه قهرمان ملی ایران

## پسرچشم پیروزمنند لنین در اهتزاز است

(سیاسگزاری خلقها از اتحاد شوروی پشتیبان نهضت رهایی بخش)

سال جشن تولد لنین نمایش درخشانی بود ، از پیروزی اندیشه و عمل لنین و وفاداری بی پایان جنبش جهانی کمونیستی و کارگری به پیمان لنین و آرمانهای پیروزی آفرین او .  
۲۱ آوریل ۱۹۷۰ بمناسبت این دنباله در صفحه ۶

طبقه کارگر و زحمتکشان هر پنج قاره کیتی جشن تاریخی صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین ، پیشوای زحمتکشان جهان ، بنیاد گزار حزب کمونیست و نخستین دولت سوسیالیستی جهان ، متفکر نامه و انقلابی بیباک را باشکوه و جلال تمام برگزار کردند .

## مبارزه بر ضد سازمان امنیت

یک وظیفه مردم است رژیم که در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد روی کار آمد مهم ترین هدف خود را سرکوب جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران قرار داد . دلیل آنهم روشن بود . با وجود نیروهای ملی و دموکراتیک با اقبال کردن قانون ملی کردن صنایع نفت و واگذاری مجدد دنباله در صفحه ۲

# درو به مبارزانی که در جریان تظاهرات اسفند ماه تهران زندانی شده اند

## یادکرد سده میلاد لنین

دنباله از صفحه ۱

بمناسبت سده لنین اجراء بکسلسله اقدامات را تصویب کرد که امروز میتوان خوشبختانه اجراء عملی آنها را اعلام داشت .

بنا بر توصیه این پلنوم ، کمیته مرکزی حزب توده ایران طی پیامی خطاب ب مردم ایران ، آنانرا به برگزاری سده لنین ، این پیشوای بزرگ زحمتکش جهان دوست و یاور ارجمند مردم ایران دعوت کرد .

مطبوعات حزب از ماهها پیش به پذیره سالگرد لنین رفتند و در آستانه سالگرد شماره ویژه نشر دادند . روزنامه ارگان حزب «ماهنامه مردم» بدین مناسبت شماره ویژه ای نشر داد . شماره بهار مجله دنیا که اکنون در دست تدارک است تماماً به سده لنین اختصاص دارد .

بدین مناسبت حزب دست به تهیه و طبع و نشر کتابی در اطراف زندگی و آموزش لنین زده است . این کتاب اکنون تحت طبع است و ما اطمینان داریم که رفقای حزبی ، مجاهدان جوان و همه عناصر مترقی انتشار آنرا با شور و شوق تلقی خواهند کرد .

از آنجا که مدتهاست آثار چهارجلدی لنین بفارسی گمبای شده ، حزب بمناسبت سده لنین اقدام به تجدید چاپ این آثار کرده است و امید است در سال جاری نخستین جلد انتشار یابد .

رادیوی پیک ایران که بازگه رسا و آزاد مردم ایران است از مدتها پیش از سالگرد لنین به انتشار انواع گفتارها ، اشعار ، شعار ها و داستاها در باره لنین دست زد و از این بابت فعالیت توضیحی و تبلیغی وسیعی را انجام داد .

یکی از اهم اقدامات ما در این زمینه تشکیل سه کنفرانس یا سمینار علمی در خارج از کشور است . در این کنفرانسها دهها تن از رفقای ما در اطراف تم های مختلف مربوط به آموزش لنین و نقش لنین در کمک به استقلال و آزادی میهن ما سخنرانی کردند . گزارش تفصیلی این سه کنفرانس علمی در شماره ویژه دنیا درج خواهد شد . حزب میکوشد همانطور که مجموعه سخنرانیهای سمینار علمی مربوط به پنجاه اکتبر بصورت کتابی هم اکنون نشر یافته ، مجموعه سخن رانی های سمینار های مربوط به سده لنین نیز بصورت کتابی در آید . مسلماً این مجموعه سودمند را خوانندگان با علاقه استقبال خواهند کرد .

بمناسبت سده میلاد لنین رفقای حزبی در شرایط مختلف در کشور و خارج کشور با انتشار تراکها ، اعلامیه ها و تشکیل جلسات دست زدند . در هر جا که شرایط اجازه میداد ، در واحد های حزبی ، جلسات باشکوهی تشکیل گردید . در این جلسات سخن رانیهای سودمندی انجام گرفت . این جشنها که در آن گاه مهمانان خارجی نیز شرکت

داشتند با شور تمام برگزار شد و مظهر علاقه و حق شناسی افراد حزب به لنین بزرگ و آموزش انقلابی و شخصیت بی همتای انسانی او بود .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مرکب از رفقا راد منش و اسکندری در مراسم جشن سده لنین در مسکو و در اجلاس تاریخی پیش از صد سازمان و حزب انقلابی و دموکراتیک منعقد در کرملین ( آوریل ۱۹۷۰ ) شرکت جست و از طرف حزب دسته گلی بر سر آرامگاه لنین در میدان سرخ نهاده شد . کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه ای بمناسبت سده میلاد لنین خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشت که متن آن در ماهنامه مردم نشر یافته است .

هیئت نمایندگی حزب ما همچنین در کنفرانس جهانی تئوریک بمناسبت سده لنین منعقد در پراگ شرکت جست و از طرف هیئت نمایندگی ما در این جلسه سخنرانی انجام گرفت که بموقع خود در مجله صلح و سوسیالیسم بچاپ رسید . علاوه از طرف عده ای از افراد رهبری حزب در مجلات خارجی بمناسبت سده میلاد لنین مقالاتی نشر یافت ، از آنجمله است مقاله رفیق راد منش در شماره ویژه مجله صلح و سوسیالیسم و مقاله رفیق طبری در مجله شوروی «آگی تاتور» ارگان حزب کمونیست شوروی .

از طرف سازمان حزب توده ایران در آذربایجان ( فرقه دموکرات آذربایجان ) بمناسبت سده لنین یک سلسله اقدامات انجام گرفت . از آنجمله میتوان از تشکیل اجتماعات جوانان با شعار «ما باندیشه لنین وفاداریم» ، از اجراء نرهای بیش از حد تولیدی از طرف کارگران و دهقانان و کارکنان فنی عضو حزب ، از تدارک آلوم و موزاتیک مخصوص لنین ، از تشکیل جلسه با شکوه جشن سده میلاد لنین ، از انتشار کتب «سخنان لنین در باره ایران» ، «دمو کراتهای ایرانی در باره لنین» ، «لنین در ادبیات آذربایجان» و انتشار شماره ویژه «آذربایجان» و غیره نام برد .

این فهرست که هنوز همه اقدامات انجام شده از طرف رهبری یا واحد های حزبی در کشور و با خارج از کشور در بر نمیگیرد ، بهر حال نمودار تلاشی است که از جانب حزب برای برگزاری شایسته سالگرد میلاد لنین انجام گرفته و مظهر حق شناسی رفقای حزبی ما و مردم ایران از کسی است که قرن ما بنام او و اندیشه های لایزال او نوشته میشود .

مقصد از این اقدامات اجراء بکسلسله تشریفات یا احترامات ظاهری نیست . لنین خود مظهر عمل انقلابی در آمیختن تئوری با

دنباله از صفحه ۱

بزرگترین ثروت ملی ما به امپریالیستها ، نقض بیطرفی سنتی ایران و پیوستن به بلوک بندی تجاوزکارانه امپریالیستی و دهها خیانت دیگری که بعدها بمصالح ملی ایران شد و هنوز هم ادامه دارد ، ممکن نبود . بهین جهت بود که علاوه بر ترور و اختناق عمومی در آستانه هر خیانتی گروهی از میهن پرستان در پای امپریالیستها قربانی میشدند و میشوند . ولی برای تحکیم و ادامه تسلط دیکتاتوری حکومت نظامی سابق کافی نبود . میباید یک رژیم پلیسی در ایران برقرار گردد که نه فقط به حبس و شکنجه و نابودی مبارزان بپردازد ، بلکه با تقییش عقاید و سلب هر گونه آزادی کوچکترین امکان اعتراض ، مخالفت و مقاومت را از مردم بگیرد . «سازمان امنیت و اطلاعات کشور» بدین منظور تشکیل شد و مظهر این رژیم پلیسی گردید .

اینکه مردم ایران علیرغم وجود این سازمان جهانی و فعالیت جنایتکارانه آن همچنان مبارزه میکنند و نارضایتی و اعتراض و مخالفت خود را نسبت به رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک به اشکال مختلف نشان میدهند و حتی وی را بعقب نشینی مجبور میسازند ، نشانه روح مقاوم و بیکار جوینانه آنها و فساد و پوسیدگی رژیم است . ولی در این واقعیت تردیدی نیست که مردم ایران در هر گام از زندگی عادی روزانه گرفته تا فعالیت صنفی و سیاسی سایه شوم سازمان امنیت را بر روی خود احساس میکنند . نتیجه اینکه مبارزه برای افشاء ماهیت سازمان امنیت بعنوان مظهر رژیم پلیسی در ایران ، مبارزه برای انحلال آن بعنوان سازمانی که آشکارا وجودش با قانون اساسی ، منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر میبانت دارد . یک وظیفه مبرم است .

در این زمینه توجه بدو نکته حائز اهمیت است : نخست آنکه مبارزه بر ضد سازمان امنیت فقط جنبه تاکتیکی ندارد و تنها در چهار چوب مبارزه در راه آزادی های دموکراتیک نیست . اگر درست است که در شرایط مشخص کنونی مبارزه در راه

پراتیک ، احتراز از جمله پردازیهای انقلابی و خوشگوئیهای میان تهی بود . مقصد از این اقدامات بخش اندیشه لنین ، معرفی شخصیت او ، برجسته کردن نمونه او برای روشن کردن و تربیت کردن نسل نوین مبارزان ، تجدید سوگند وفاداری به لنین ، تقویت روح نبرد طبقاتی و همهستگی انترناسیونالیستی و مقابله با سفسطه و جهالت پراکنی های دشمن طبقاتی است .

ما بر آنیم که وظایف ما نسبت به لنین و راه او با برپا داشت مراسم در باره سده میلاد او خاتمه نمی پذیرد ، بلکه نبرد ما در راه اجراء وظایف انقلابی با نیرو و روانی تازه و امید پر مایه تر ادامه می یابد .

## مبارزه بر ضد سازمان امنیت . . .

دموکراسی پیوند ناگسستنی با مبارزه بر ضد امپریالیسم دارد ، آنوقت برای آنکه نه فقط بتوان مبارزه در راه دموکراسی بلکه مبارزه بر ضد امپریالیسم را نیز از پیش برد ، باید تمام نیرو ها را بر ضد سازمان امنیت بعنوان مانع اصلی در برابر گسترش این مبارزه تجهیز و متشکل کرد و بحرکت در آورد .

دیگر اینکه اگر زمانی بود که سازمان امنیت فقط مبارزان توده ای را دنبال میکرد و بزندان میانداخت و شکنجه میداد و میکشت و با اینکه هنوز هم آتش اصلی آن بر روی مبارزان حزب توده ایران متمرکز است ولی دیگر به این اکتفا نمیکند . اینک همه میهن پرستان و همه نیرو های مخالف رژیم به اشکال مختلف تحت فشار و تعقیب سازمان امنیت قرار دارند . بهین جهت یک زمینه کاملاً واقعی برای اتحاد همه نیرو های ملی و دموکراتیک ، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و ایدئولوژیک ، برای یکبار بر ضد امپریالیسم و ارتجاع بطور اعم و بر ضد سازمان امنیت بعنوان یکی از مظاهر عمده رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران بطور اخص بوجود آمده است . حزب ما این واقعیت را بدرستی دیده و درک کرده و بر اساس آن سیاست اتحاد خود را قرار داده که با اصولیت و پیگیری در راه تحقق آن مبارزه میکند . موقع آن فرا رسیده است که سایر نیروهای ملی و دموکراتیک نیز با درک عمیق این واقعیت به ندای اتحاد حزب توده ایران برای انجام وظیفه مبرم مبارزه بر ضد سازمان امنیت پاسخ مثبت گویند .

ا. انو



دنبال خبری که درباره اعتصاب کارگران نفت جنوب ، در شماره گذشته ماهنامه مردم انتشار دادیم ، اطلاعات دقیق تری بما رسیده است که ذیلا بنظر خوانندگان میرسانیم .

در اسفند ماه گذشته طرح جدید طبقه بندی مشاغل کارگران نفت جنوب ، که بدون مشورت و مذاکره با کارگران و بنحو غیر عادلانه از طرف رؤسای شرکت نفت تهیه شده بود با اطلاع کارگران رسانده شد . در این طرح ارزش کارگران از نظر طبقه بندی نادیده گرفته شده بود و در نتیجه کارگران از گرفتن اضافه دستزد محروم میشدند ، با

دنباله در صفحه ۷

درود به دانشجویان زندانی که با رژیم استبدادی شاه مبارزه میکنند

## خیابانی و قیام آذربایجان

ما مکرر دیده ایم که آزادی را در این مملکت بدست اجانب بر هم زده اند، ایران را ایرانی باید آزاد کند، خیابانی

... و پنجاه سال پیش، میهن پرستان خلق آذربایجان برای رهائی ایران از بند استعمار و آزادی ایرانیان از چنگ استبداد بیا خاستند.

خیزش آذربایجان از هجانی آبی و خشمی گذرا ناشی نمیشد. دوران قوت سالها بطول انجامیده بود، از انجمنهای ایالتی و ولایتی خبری نبود، مشروطیت تعطیل شده بود. انگلیس و آلمان و ترکیه عثمانی به دسایس و تحریکات خود ادامه میدادند. خدعه والی و شرارت قزاق، قحطی نان و گرانی ارزاق مردم تبریز را به ستوه آورده بود. چهار سال پیش از قیام، کمیته محلی تبریز فرقه کرات آذربایجان مردم ایران را به

هوشیاری دعوت کرده بود: «هان! ای دموکراسی جوان ایران بیدار باش که عنقریب داخل میدان یک مبارزه حیاتی خواهی شد». روی کار آمدن کابینه وثوق الدوله و امضا قرار داد ۱۹۱۹ آخرین رشته امید مردم را از مرکز گسست. پیروزی انقلاب روس امید دیگری در مردم پدید آورده بود. خیابانی میگفت: «ایرانیان هم بمناسبت مجاورت با روسیه آزاد شده نمی توانستند از انقلاب یک همچو مملکت بزرگ همسایه متأثر نشوند. کم کم قلوب افسرده را انبساطی حاصل شد. مهر خاموشی از لب ها برداشته میشود.»

سر انجام مرکز رهبری قیام، «هیئت مدیره اجتماعات» در ۱۹ حمل (فروردین) ۱۲۹۹ تصمیم نهائی و اراده استوار مردم آذربایجان را برای «برقرار داشتن آسایش عمومی از قوه به فعل آوردن رژیم مشروطیت» اعلام داشت. مردم تبریز به قیام برخاستند.

شیخ محمد خیابانی مغز اندیشمند و مرد روشنگر و راهبر این قیام بود. او در صدر مشروطیت در راه آرمانهای انقلابی مردم ایران سلاح بدست مبارزه کرده بود. برگزیده بی باک مردم تبریز در مجلس دوم بود. سخنوری آتشین زبان، قلمزنی سنجیده فکر بود. با مبارزات انقلابی خلقهای روسیه تزاری از نزدیک آشنا شده بود، بر اوضاع اجتماعی و احوال سیاسی دوران خود آگاهی در خورد توجه داشت. او میهن پرستی از جان گذشته و دموکراتی انقلابی بود.

خیابانی میگفت: «ما میخواستیم فرزندان قرن خودمان باشیم» زیرا «هر زمانی تقاضائی دارد... اجداد ما، عدل نوشیروانی را مافوق همه نوع تمنیات خود میگردقتند و برای آنان عدالت آن پادشاه ساسانی برتر و بالاتر از هر تصور بود. اما، امروز ما، فرزندان آنان، یک عدالت نوشیروانی را عین استبداد میخوانیم و نمیتوانیم دقیقه ای در تحت اداره آن زندگی

## لنینیستهای ضد لنین

جشن صدمین سالروز تولد لنین بزرگ با شکوه تمام و چنانکه شایسته او بود در سراسر جهان بر گزار شد. زحمتکشان جهان و همه نیروهای صلح دوست، دمکرات و ترقیخواه خاطره این مرد بزرگ تاریخ را با شور و شوق فراوان تجلیل کردند. و نه برای انجام تشریفات، بلکه بویژه برای آنکه از این فرصت برای درک هرچه وسیع تر و عمیق تر آموزش کبیر او که راه نجات بشریت را از چنگال فقر و جهل، استعمار و جنگ نشان داده است استفاده کنند. دوستان با نیرو و امیدی بیشتر و عزم و اراده ای راسخ تر پیکار آزادیبخش خود را تشدید میکنند و دشمنان در برابر عظمت و قدرت او اندیشه اش بخود میارزند.

لنین بعنوان یک شخصیت تاریخی-جهانی مورد تجلیل همه انسانها، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و اجتماعی، قرار گرفت. در این میان وضع مائوئیستها نیز جالب و بویژه آموزنده بود. زمانی که گروه مائوتسه دون تدارک انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی را میدید و مائوئیسم را در برابر لنینیسم قرار میداد زیر شعار «زنده باد لنینیسم» بمیدان آمد. ولی زندگی که تابع هوسها و تمایلات و آرزوهای هیچکس نیست خیلی زود این ماسک را درید و ماهیت شوربختی و هژمونیستی مائوئیسم را بعنوان یک مشی ضد مارکسیستی-لنینیستی آشکار ساخت. و باید تصدیق کرد که گروه مائوتسه دون خود به به این افشاگری کمک فراوان کرده است، از جمله در جریان برگزاری صدمین سالروز تولد لنین در چین به این مناسبت فقط یک مقاله در سه روزنامه انتشار یافت. و این مقالات چکیده تمام دشنامها و اتهاماتی بود که طی دوران تسلط مائوئیسم در چین تثار حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین و میهن لنین شده است. چنین بود «تجلیل» گروه مائوتسه دون از لنین!

وضع مائوئیستهای ایرانی از این بهتر نبود. این هواداران «استقلال اندیشه و عدل» نیز بنده وار فرمان بت بزرگ را به شرایط ایران «انطباق» دادند، و سالروز تولد لنین

ملی و قوانین اساسی را نمیتوان به یک پادشاه و یک ولیعهد مستبد سپرد»، «نگهبانان واقعی و پاسبانان مادرزاد قانون اساسی همانی هستند که آنرا وضع کرده اند»، «باید اراده ملت بالای همه چیز باشد، در صورت لزوم بتواند شاه را خلع و عزل کند، اگر خواست و صلاح دید، جمهوری را اعلام نماید، هر هیئت دولتی را که نپسندید سرنگون سازد، بر همه چیز حاکم باشد».

قیام تبریز میبایست انقلاب را به سر انجام خود برساند «آنچه را که در ظرف ۱۴ سال انقلاب بر بوه اجمال و اهمال مطلق

نگهداشته اند، این قیام انجام خواهد داد.» دست آهین ملت است که بعد از این در بالای سر دولت خواهد بود!.

متأسفانه قیام تبریز نیز مانند قیامهای دیگر ایران در آن زمان به علل مختلف، از جمله در اثر اشتباهات و نارسائی های خود به پیروزی نهائی نیانجامید. باینجهت اکنون نیز که ۵۰ سال از قیام تبریز و ۶۴ سال از انقلاب مشروطیت میگذرد، همان مسائلی که آنزمان در برابر مردم ایران قرار داشت، با حدت و ابرام بیشتری برای مردم ایران مطرح دنباله در صفحه ۶

# درد به مجاهدان کرد که در زندان ارتجاع نشسته اند

## زندانیان و زندانیان سیاسی . . .

دنباله از صفحه ۱

خسرو روزبه و عنوان روز زندانیان سیاسی . در راه هم آهنگ ساختن مبارزه برای نجات بنیادین استبداد گام بردارند . زندانیان سیاسی مجاهدان دلیر راه استقلال و آزادی کشور .

امیرالایم و ارتجاع برای بقای خود به سرکوب آزادیهای اساسی مردم نیازمندند بهین جهت با پیروزی کودتای ارتجعی و امیرالایستی ۲۸ مرداد ، آزادیهای نسبی که مردم در نتیجه مبارزه بدست آورده بودند ، یکباره سرکوب شد و فضای مشتاق و نفس گیری کشور را در بر گرفت که هنوز هم ادامه دارد ، نخستین آماج پورش ، حزب ما بود و هنوز هم همچنان حزب ماست . شدید ترین فشار بر رزمندگان حزب ما وارد آمد و هنوز هم وضع بهمان قرار است . اما با آنکه حزب ما اهداف اولین و شدیدترین فشارها بود ، ولی سایر نیروهای ملی و میهن پرست نیز از عواقب ناشی از سلطه رژیم ترور بر کنار نماندند و هم اکنون در زندانهای ایران ، توده های ما ، مصدق ها ، روحانیون مترقی و بازاریان میهن پرست در کنار هم در زندان نشسته اند و متحدا علیه فشارها و تضيقات مبارزه میکنند .

قدیمترین زندانیان سیاسی به حزب ما تعلق دارند ، صفر قهرمانی از سال ۱۳۲۶ زندانی است او با پایداری اعجاب انگیز در زندان از جوانی به پیری رسیده است . حمید فام نریمان و بدرالدین مدنی ۱۶ سال است که در زندان بسر میبرند . شش تن از مقاوم ترین افسران عضو سازمان افسری حزب توده ایران ، رفقا سروان تقی کی منش ، سروان عباس حجری ، ستوان یکم علی عمویی ، ستوان دوم رضا شلتوکی ، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر و ستوان دوم ابوتراب باقرزاده از سال ۱۳۳۳ بازداشت و به حبس ابد محکومیت یافته اند . روح بیکار جو و مقاومت شایان تحسین این افسران میهن دوست ، سر مشق و الهام بخش همه مبارزانی بوده است که در سالهای بعد به زندان افتاده اند . دکتر بنی طرفه و مجید امین مؤید از سال ۱۳۳۷ توقیف شده اند و در زندان شماره ۴ قصر زندانی اند . در شمار زندانیان قدیمی باید از رفقا محمد علی پیدا ، حمید کرمی ، عزیز یوسفی ، غنی مؤدیان و جلیل گورانی نام برد . رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو در سال ۱۳۴۵ دستگیر و محکوم به حبس ابد شده اند . تقی معتدی به ۷ سال زندان و صابر محمدزاده و آصف رزم دیده هر یک به ترتیب به ۷ و ۶ سال زندان محکومیت یافته اند . دفاع در خشان این رفقا از ایده های میهن پرستانه و بشر دوستانه حزب خود ، و مقاومت آنان علی رغم تمام فشارها ، نمونه دیگری از پایداری و قهرمانی رزمندگان حزب ما را عرضه نموده

زندانیان سیاسی بند ۳ و ۴ زندان قصر در نامه ای که دو سال پیش بخارج فرستاده اند نوشته اند : « خشونتها و وحشیگریهایی که سازمان امنیت در مراحل بازجویی و تحقیق از خود نشان داده است روی شکنجه گاههای قرون وسطایی اربابان کلیسا و دژخیمان انگلیسی و تقشیش عقاید را سید کرده است .

شکنجه متهمان سیاسی برای گرفتن اقرار با متد های گوناگون انجام میگیرد . بستن کتف ها و دستها با طناب ، بستن منتهم بدرخت ، مضروب ساختن وی تا حد بیهوشی و نقص عضو ، بکار بردن شلاق سیمی و شرحه شرحه کردن بدن منتهم ، دست بند قیانی ، گرفتن خواب از چشم منتهم طی مدت طولانی دوامدن سوزن زیر ناخن ها ، سوزاندن لب پیشانی ، پشت دست ، پلک چشم با آتش سیگار آویزان کردن منتهم از سقف ، نشاندن وی بر روی اجاق داغ ، فشار بر استخوانها بوسیله میله های آهنی ، انداختن اشعه مخصوص بچشم

زندانی که تحت تاثیر آن سوزش و درد شدید تمام بدن را فرامیگیرد ، گذاردن منتهم در اطاقکی که از اطراف به بدن فشار وارد میآورد ، فرو کردن سیم برق در گوشها و قسمت های دیگر بدن ، سرازیر آویختن منتهم طی مدت طولانی ، توأم با شلاق . شکنجه دیگری که معمول است ندادن آب به منتهم و گذاردن وی در قفس آهنی است . این قفس را در آفتاب میگذارند تا آب بدن منتهم خشک شود و از پای در آید . تقریباً تمام ناظران بین المللی که در سالهای اخیر برای نظارت بر دادگاه متهمان سیاسی به ایران رفته اند اعتراف کرده اند که منتهمین به شدید ترین وجهی شکنجه شده اند . در اینجا فقط به

ذکر چند مورد اکتفا میکنیم : « کاولبری حقوقدان ایتالیایی پس از مراجعت از ایران نوشت که برخی از منتهمین مدت ۵۰ ساعت متوالی زیر شکنجه بوده اند . بعضی از آنها بمدت ۳۵ روز در سلولهای انفرادی بوده اند ، با میله های آهنی استخوانهای آنها را فشار میدادند و یا آنها را روی اجاق داغ می نشانندند . « هلدمن » وکیل مدافع از جمهوری فدرال آلمان و نماینده سازمان عقوبت بین المللی که سال ۱۹۶۵ به ایران رفت نوشت : « بن ثابت شده است که منتهمین هنگام بازجویی به شدت شکنجه شده اند . « جان کارولانوتی » حقوقدان ایتالیایی اظهار داشت : « در مسافرت به ایران مدارکی بدست آورده ام که از شکنجه های ساواک چه در بازجویی و چه در هنگام محاکمات درباره عده ای از زندانیان سیاسی سخن میگویند . »

شکنجه گران برای آنکه بهر قیمت از منتهم اقرار بگیرند از هیچگونه وحشیگری و خشونتیی ابا ندارند . بجاست که توصیف چهره دژخیم را از زبان خود دژخیم بشنویم . سیاحتگر که پیداش شقاوت های خود در شکنجه گاهها ، تا کنون چندین بار احکام ترفیع او را اعلیحضرت « توشیح » نموده و

است .

در کنار توده ایها ، عده ای از گروه ۱۴ نفری نیکخواه ، گروه دکتر پیمان ، گروه ۵۵ نفری بجنوردی ، گروه ۲۱ نفری دکتر دامغانی ، گروه منصف و گروه جزئی

هنوز در زندان اند . بر این جمع باید روحانیون مترقی طرفدار آیت آله خمینی ، عده ای از کسبه و بازاریان میهن پرست و جمعی از دانشجویان وابسته به سازمانهای مختلف سیاسی را که در تظاهرات و اعتصابات چند ساله اخیر دانش گاههای ایران دستگیر شده اند افزود . در میان زندانیان سالهای اخیر ، زندانیان حوادث کردستان جای مهمی دارند . در جریان تظاهرات اخیر تهران نیز ( اسفند ۱۳۴۸ ) عده ای از دانشجویان بازداشتی هنوز در زندانها هستند و بر خلاف دعوی دولت از آزادی آنان خبری نیست .

بسهانه های بازداشت

افراد و گروههای مختلف زندانیان سیاسی ظاهر با اتهامات گوناگونی بازداشت میشوند . داشتن مرام اشتراکسی ، مقاومت مسلحانه ، توطئه علیه شخص اول مملکت ، داشتن عقاید سوسیالیستی در زیر لوای مذهب ، تماس با عشایر ، پخش اعلامیه آیت آله خمینی و غیره . ولی در واقع امر جرم واحد بازداشت شدگان سیاسی ، مخالفت با رژیم ضد ملی کنونی است که در هر لباس و با هر عنوانی که بروز کند از نظر هشت حاکمه گناهی است نابخشودنی . « داوید کالبر » حقوقدان آمریکائی که در ماه مه سال ۱۹۶۸ از ایران دیپس نمود و با عده ای در مورد چگونگی وضع سیاسی ایران مصاحبه نمود در گزارش خود نوشت : « تمام مصاحبه دهندگان گفتند که دولت ایران هیچگونه انتقادی را به شاه و رژیم تحمل نمیکند . برگزاری مجامع عمومی و نشر و توزیع روزنامه ها و کتب انتقادی بکلی ممنوع است و عبارت دیگر هیچگونه مخالفت یا انتقاد به دولت در ایران وجود ندارد . »

شکنجه برای گرفتن اقرار از منتهم

منتهمین سیاسی بلافاصله پس از بازداشت و قبل از آنکه جرمشان معلوم باشد در دوزخ شکنجه ، عذاب می بینند تا به جرایمی که رژیم مایل است به آنان نسبت دهد ، اعتراف کنند . شکنجه گاههای رسمی چون زندان باغ مهران و زندان اوین که با مدرنترین وسائل شکنجه و عذاب مجهزند از زندانیان سیاسی پذیرائی میکنند . شکنجه گاههای غیر رسمی دیگری چون زندان باغشاه ، یادگان عشرت آباد ، زندان سلطنت آباد ، تپ دو زری نیز در صورت لزوم مورد استفاده قرار میگیرند . دژخیمان ساهدلی چون امجدی ، زیبائی ، مبصر ، سیاحتگر ، زمانی ، سالاری و عده ای دیگر سالهاست که روش های خشن و وحشیانه « گرفتن اقرار » را از همکاران آمریکائی خود آموخته اند .



صابر محمدزاده

کارگر چاپخانه حزب توده ایران

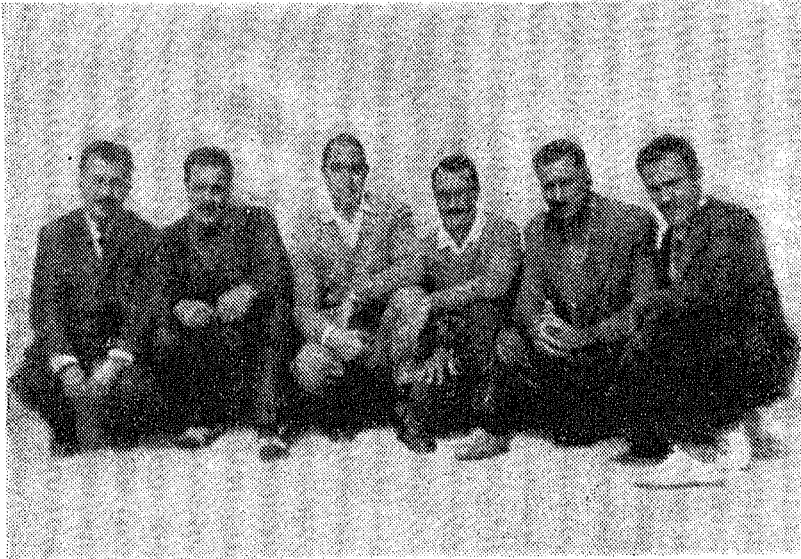


آصف رزم دیده

کارگر چاپخانه حزب توده ایران

اکنون سرهنگ سیاحتگر است ، هنگام شکنجه پرویز عدالت منش که جزو گروه مهندس بازرگان بازداشت شده بود خود را چنین معرفی میکند : « مرانمی شناسی من کسی هستم که وارطان را ( منظور رفیق شهید وارطان سلاخیان عضو حزب ماست ) که بازویش به اندازه کمر تو بود زیر شکنجه کشتم ، منخش را با مته سوراخ کردم . تا حالا ده نفر را زیر شکنجه کشته ام ، مواظب باش یازدهمی اش نباشی . من حیوانی هستم که در هیچ جنگلی نظیرم پیدا نمیشود . من هیچ رحم و مروت ندارم . این حیواناتی که واقعا هم نظیرشان در هیچ جنگلی پیدا نمیشود و بوئی از وجدان و انساندوستی نبرده اند سالاهاست که سر نوشت مردم آزاده میهن ما را بازی گرفته اند ، هزاران خانواده را منلاشی نموده اند ، هزاران جوانی را بر باد داده اند و صد ها نفر را یا کشته و یا برای مادام العمر غلیل و فلج ساخته اند اما روح پلیدشان در برخورد با روحیه های والای قهرمانی بیش از پیش احساس حقارت و پلیدی

# درد به افسران قهرمان عضو حزب توده ایران : سروان تقی کی منش ، سروان عباس خجری ، ستوان یکم علی عموی ، ستوان دوم رضا شلتوکی ، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر و ستوان دوم ابوتراب باقرزاده



رفقا بدرالدین مدنی ، صفر فهرمانی ، حمید قام نربان ، محمد علی پیدا ، پرویز حکمت جو و عزیز یوسفی در زندان برازجان



رفیقاً  
علی خاوری و  
پرویز حکمت جو  
در دادگاه نظامی

است. زندانبانان مواد اولیه ناکافی و بی‌زمتی را آلوده به‌زراشتی کثیف خارجی دردیگی می‌ریزند و بنام غذا بخورد زندانبانان می‌دهند؛ در برخی از زندانها، از جمله زندانهای تهران

و برازجان، به زندانبان جیره روزانه‌ای بمبلغ ۱۲ ریال وجه نقد و دو قرص نان بیات و مانده می‌دهند. با توجه باینکه بهای یک سیر پنبه ۱۰ ریال است، کیفیت غذائی که زندانبانان باید در گوشه زندان برای خود تهیه کنند معلوم میشود. در بعضی از زندانها مواد اولیه را خود زندانبانان تهیه میکنند و به زندانبانان می‌دهند. اما کیفیت این مواد فوق‌العاده بد است مثلاً بجای گوشت مستی استخوان به زندانبانان می‌دهند. مأموران زندان اکثرآ حتی غذائی را که خانواده‌ها هفته‌ای یکبار برای بستگان خود به زندان می‌آورند ترش میکنند و دور می‌ریزند و به زندانبانان نمی‌دهند.

#### بهداشت زندان

عواقب شکنجه‌های حیوانی، وضع غذا، تنگی جا، نبودن نور و هوای کافی، اکثریت زندانبانان را بیمار نموده است، با

دنباله در صفحه ۷

است. در غالب زندانها، زندانبانان ازدداشتن کتاب و روزنامه محروم اند و مأموران زندان آنرا بمشابه، مدرک جرمی تازه تلقی میکنند. مسکن زندانبانان

در اکثر زندانهای کشور نمونه مشخص آن در زندان قزل‌قلعه جا برای زندانبانان انفرادی بقدری کم است که زندانبانان نمیتواند براحتی دراز بکشد. طاق سلولها بحدی کوتاه است که زندانبانان نمیتواند بر روی پای خود بایستد. در بند های سوم و چهارم زندان قصر که خاص زندانبانان سیاسی است، بهر زندانبان محلی به وسعت ۵۰ متر در ۷۰ سانتیمتر میرسد. سلولهای انفرادی رنگ نور و هوا نمی‌بینند، مرطوب و نمورند و زندانبانان غالباً حتی برای ده دقیقه هواخوری ناگزیر دست به اعتصاب می‌زنند. در زندان قزل‌قلعه تا چندین پیش، زندانبانان بر روی مستی کام میخوابیدند ولی بر اثر اعتراضات بی‌در پی سرانجام یک‌تاشک گاهی و یک پتو به زندانبانان داده شد.

#### غذای زندانبانان

بدتر از غذای سرباز خانه‌ها غذای زندانبانان

خود ادعاینامه را علیه متهمین تنظیم نموده‌اند. بر این اساس، در این دادگاهها، فاضی و دادستان و وکیل مدافع یکی است و تابع مرکز معین هستند. دادگاه معمولاً در محل زندان تشکیل میشود. جریان دادگاه سری است و اگر هم ظاهراً علنی باشد، صندلی‌های محدود تماشاچیان را مأموران مخفی سازمان امنیت و احیانا چند نفری از خانواده متهمین پر میکنند. در برخی از موارد اصولاً دادگاه تشکیل نمیشود، یعنی بدون آگهی، اعضاء دادگاه بنشینند و رسمیت جلسه اعلام شود، دادستان، وکیل و یا وکلای مدافع صحبت کنند و به متهم اجازه دفاع داده شود در فاصله چند دقیقه حکم محکومیت متهم و یا متهمین قرائت میشود. محاکمه بدوی رفقای ما آصف رزم‌دیده و صابر محمدزاده در چنین دادگاهی انجام شد. حتی در مواردی هم که دادگاه تشکیل شود متهم از حق آزاده دفاع برخوردار نیست. احکام دادگاهها از قبل معلوم است و دفاع متهمین نه تنها در برائت آنان تأثیری ندارد، بلکه مقاومت و افشاگری آنان در مواردی مجازاتها را سنگین تر هم کرده است، چنانکه احکام دادگاه بدوی آصف و صابر رفقای کارگر ما به علت دفاع از حزب خود و افشاگری از رژیم در دادگاه تجدیدنظر تشدید شد.

#### شرایط عمومی زندان

در تمام زندانهای کشور يك اصل کلی حکمفرماست و آن اعمال انواع فشار های روحی و جسمی برای تضعیف روحیه و شکستن مقاومت زندانبانان سیاسی از یکسو و نابودی جسمی آنان از سوی دیگر است. در یکی از جشن های زندان قصر، دادستان کل ارتش صریحاً اعتراف میکند که: «آن دسته از زندانبانان که جوان هستند و قدرتی دارند آنها را آنقدر در زندان نگاه میداریم تا پیر و علیل و فرسوده شوند و سپس از زندان خارج شوند. دسته دیگری که نسبتاً پیر و سالخورده هستند آنقدر خواهند ماند که اجازه آنان از زندان خارج گردد.» اعمال فشار به زندانبانان جهت توبه و استغفار و اعلام وفاداری به شاه از اقداماتی است که برای شکستن پایداری زندانبانان بسیار متداول است. «عدم وابستگی به حزب توده ایران و اعلام تنفر و انزجار نسبت به آن» نخستین شرط برای آزادی زندانبانان، صرفنظر از تعلق او بهر گروه و سازمان سیاسی است. وجود زندان واحد برای زندانبانان سیاسی و دزدان و آدمکشان و چاقو کشان و ایجاد تقاطع بین آنان از جمله وسایلی است که سازمان امنیت برای در فشار گذاردن زندانبانان سیاسی بکار میرد. از اقدامات دیگر دست‌گاه، برانداختن چنگک اعصاب برای عصبانی کردن زندانبانان و سرانجام جستجوی شکار از بین سر سخت ترین و مقاوم ترین آنان برای تبعید به تقاطع بد آب و هوا و انتقال به سلولهای انفرادی



رفیق غنی بلوریان



رفیق عزیز یوسفی

#### نمودار است دادگاههای نظامی

دوران قبل از محاکمه در مواردی بسیار طولانی است «کالوی» حقوقدان ایتالیایی که در اکتبر ۱۹۶۹ به ایران رفت مینویسد: «میتوان از چندین دهسال بازداشت قبل از محاکمه صحبت نمود.» ولی اگر میل مأموران سازمان امنیت بر محاکمه متهم قرار گرفت سر و کار متهم با دادگاههای نظامی است. درباره ماهیت این دادگاهها و اینکه تشکیل آنها بر خلاف کلیه موازین قانونی و نقض آشکار قانون اساسی است، ما تاکنون در مطبوعات خود گزارش کرده‌ایم. در این دادگاهها قضات، دادستان و کلای مدافع همه نظامی و فرمانبردار شاه هستند. وکلای مدافع که معمولاً وکیل تسخیری اند در دفاع از متهم نه آزادی عمل دارند و نه آنرا جدی میگیرند. «هانری کاریدو» وکیل دادگاه پاریس پس از شرکت در دادگاه ۱۴ روشنفکر نوشت: «افسران مدافع خود اعتراف میکنند که تابع نظامیانی هستند که همان ابتدا پس از پرونده سازی



# درد به رفقای زندانی ما: خاوری، حکمت جو، صابر، آصف، بلوریان، یوسفی، صفر قهرمانی

## پرچم پیروزمند لنین در اهتزاز است

دنباله از صفحه ۱

روز تاریخی جلسه مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست، شورای عالی اتحاد شوروی و شورای عالی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه در مسکو تشکیل شد.

انظار میلیونها نفر از مردم سراسر جهان بسوی اتحاد شوروی، زادگاه لنینیسم و جلوه گاه زنده اندیشه و عمل لنین دوخته بود.

۶۰۰ تن از نمایندگان طبقه کارگر، دهقانان کلخوزی و روشنفکران شوروی در این جلسه حضور داشتند.

رهبران کشورهای سوسیالیستی، هیئت های نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری و کشورهای در حال رشد و نمایندگان جنبش های آزادی بخش ملی آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نیز در این جنبش همگانی جهانی شرکت کردند.

رفیق نیکولای پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و عضوولیت بوری کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از افتتاح جلسه رشته سخن را به رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سپرد.

رفیق برژنف ضمن سخنرانی عمیق و بسیار پر مضمونی تحت عنوان «اندیشه های لنین زنده و پیروز است» عظمت لنین را بعنوان متفکر و انقلابی کبیر تشریح کرد و نیروی سترگ آموزش لنین و پیروزیهای تاریخی مردم شوروی و جنبش انقلابی جهان را که با پرچم ظفر نمون لنین بدست آمده است یاد آور شد و وظائف مبرم مرحله کمونی مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح، پیشرفت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم را خاطر نشان ساخت.

لئونید برژنف ضمن اشاره به دستاورد های مردم شوروی در آستان صدمین سالروز تولد لنین گفت:

«وقتی براه طی شده میگردیم میتوانیم بگوئیم که مردم ما و حزب ما حق دارند بخود ببالند. مردم شوروی دشواریها و ناملازمات فراوان از سر گذرانده و بار مسئولیت تاریخی عظیمی بدوش کشیده اند، ولی با شهامت و ثبات قدم از عهده تمام آزمایشها بر آمده و رسالت عالی خود را با شایستگی انجام داده اند. مردم ما همیشه و همه جا، در لحظات آزمایش های سخت زندگی و نبردهای شدید و بهنگام پیروزیهای شادی آور و ناکامیهای تلخ همیشه به پرچم لنین، به حزب خود و آرمان انقلاب وفادار مانده اند. رفقا ما را دست آورد هائی هست که در این روز بزرگ در برابر خاطره لنین عرضه داریم، سوسیالیسم برای نخستین بار در تاریخ تمدن جهانی بطور کامل و قطعی پیروز شد، جامعه سوسیالیستی رشد یافته ایجاد گردیده و شرایط لازم برای ساختمان موفقیت آمیز کمونیسم فراهم آمده است.»

سپس سخنران گفت: «از هنگام

مرگ لنین تاکنون زندگی راهی دراز پیموده، دگرگونیهای فراوان صورت گرفته و پدیده ها و مسائل جدید بسیاری بوجود آمده است که در آزمون حتی تصور آن دشوار بود. ولی قوانینی که لنین در باره تکامل سوسیالیسم کشف کرده است امروز نیز کلید و حل این مسائل را بدست میدهد. به همین جهت است که ما میگوئیم لنین شریک زنده کارهای ما و آموزگار مطمئن و خردمند ما است.»

رفیق برژنف افزود: «لنین همواره طلب میکرد که زحمتکشانش را باید با روح اثرناسیونالیسم پرورش داد و علیه گرایشهای شوینستی عظمت طلبانه و ایضا گرایشهای ناسیونالیستی محلی بمقابله؛ رخاست... حزب و مردم ما پیروی از این وصیت گرانقدر لنینی را وظیفه مقدس خود میمانند.»

لئونید برژنف ضمن افشای ماهیت تجاوز کارانه امپریالیسم اهمیت همبستگی و پیوند میان کشورهای سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و جنبش آزادیبخش ملی را خاطر نشان ساخت و گفت: «برای تمام جامعه بشری موهبت عظیمی است که نیروی متحد کشورهای سوسیالیستی و سیاست فعال و دفاع مجدانه آنها از صلح تلاشهای تجاوز کارانه امپریالیستها را عقیم میگذارد و در راه تجاوز کاران برای برافروختن نائره جنگ جهانی موشکی هسته ای مانع قاطع پدید میآورد... و اما آنجا که امپریالیست ها بهر حال راه ماجرا - جوئی نظامی را علیه این یا آن کشور سوسیالیستی در پیش میگیرند و یا به ضد انقلاب با اصطلاح «بی سر و صدا» متوسل میشوند نیرو و همبستگی کشورهای سوسیالیستی را در برابر خود مشاهده میکنند.»

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از بیکار قهرمانانه خلق قهرمان ویتنام با تجلیل فراوان یاد کرد و گفت:

«هیچ نظام اجتماعی دیگری بجز نظام سوسیالیستی نمیتوانست به بیکار آزادیبخش مردم ویتنام چنین دامنه عظیم، چنین شکل، چنین ثبات قدم و استقامتی بدهد. هیچ نیروی سیاسی دیگری بجز حزب مارکسیست - لنینیست نمیتوانست خلق رزمنده را به چنین درک روشنی از هدفهای مبارزه مجهز سازد و به قهرمانی توده ای برانگیزد. قهرمانی میهن پرستان ویتنام توأم با نیروی همبستگی سوسیالیستی و کمکهای وسیع اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ماجراجویی امریکا را در ویتنام عقیم گذارده است. قهرمانی ویتنام برای همیشه در سینه تاریخ ثبت خواهد ماند. سرفراز و مفتخر باد خلق قهرمان ویتنام.»

نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری ضمن شادباشهای مهیج خود از مردم شوروی و حزب کمونیست پرورده لنین با تکریم و تجلیل فراوان سخن گفتند.

رهبران جنبشهای آزادیبخش ملی و ویژه نمایندگان خلقهائی چون ویتنام رزمنده و کشورهای عربی که در برابر تجاوز امپریا. لیسیم دشمن امریکا سلاح بدست و جان بکف از آزادی و استقلال میهن خود دفاع میکنند و نیز نماینده کوبا که تا همین چندی پیش آماج تجاوز مستقیم بربران امریکایی بود بار دیگر مراتب سیاستگزاری عمیق خود را از پشتیبانهای قاطع و کمک های عظیم اتحاد شوروی ابراز داشتند.

رفیق له دو آن دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکشانش ویتنام پس از تأکید این حقیقت که پیروزی عظیم انقلاب ویتنام با پشتیبانی نیرومند جنبش جهانی کمونیستی و با کمکهای گرانبهای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیوند ناگسستنی دارد گفت:

«ما در این مجلس با شکوه از جانب حزب خود، از جانب طبقه کارگر ویتنام، از جانب مردم ویتنام مراتب سیاستگزاری عمیق خود را از لنین بزرگ، از حزب کمونیست اتحاد شوروی و از خلق شوروی برادر خود ابراز میداریم.»

رفیق هوسو آن سون عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی گفت:

«حزب کمونیست شوروی، دولت شوروی و مردم شوروی اکنون نیز مانند گذشته از مردم ویتنام که در سنگر مقدم بیکار ملل علیه امپریالیسم تجاوزکار و جنگ طلب امریکا میجنگند هواخواهی و پشتیبانی میکنند و کمکهای عظیم و مؤثر بانان مبدول می دارند... مردم ویتنام جنوبی نیک میدانند که پیروزیهای آنان در جسران جنگ مقاومت علیه تجاوز امریکا و در بیکار بخاطر رهائی میهن با هواخواهی، پشتیبانی و کمکهای عظیم و مؤثر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و تمام ملل صلحدوست جهان پیوند ناگسستنی دارد. ما برای همیشه این سخنان لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در قلب خود محفوظ خواهیم داشت که: «اتحاد شوروی عزم راسخ دارد به خلق ویتنام برادر که در راه امر حق به بیکار مشغول است از هر جهت کمک کند. این کمک آنقدر ادامه خواهد یافت که امپریالیست های امریکا به ماجراجویی بیشرمانه و تبهکارانه خود پایان دهند و گور خود را از ویتنام گم کنند.»

رفیق دورتیکوس تورادو دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا و رئیس جمهوری کوبا گفت:

«در مورد کشور من حق است که به تمام اهمیت همبستگی اتحاد شوروی - کشور آفریده انقلاب تحت رهبری لنین - با انقلاب کوبا اذعان گردد. کافست یاد آور شویم که وقتی امپریالیسم به تهدید کشور ما و آماده شدن برای تجاوز مسلحانه بان پرداخت اتحاد شوروی سلاحی را که برای تأمین دفاع

ما ضروری بود برایگان در اختیار ما گذاشت و آنگاه که امپریالیسم به قصد فلج ساختن اقتصاد ما از تحویل نفت بما سر بیچید اتحاد شوروی با فرستادن نفت برای ما کاری وقفه اقتصاد ما را تأمین کرد.

وقتی امپریالیسم بازارهای خود را بروی قندما بست اتحاد شوروی تصمیم به خرید آن گرفت و بدینسان مشکل صادرات را که برای ما ضروری بود حل کرد... بجاست بار دیگر در این روزهای با شکوه بیاد آوریم که مردم زحمتکش سراسر جهان چه اندازه مرهون فعالیت لنین، اندیشه های او و انقلابی که او به پیروزی رساند هستند، چه اندازه مرهون خلق کبیر شوروی هستند که برای تأمین آینده بهتر تمام جامعه بشری مساعی بی پایان بکار برده و قربانی های عظیم داده است.»

علی صبری عضو هیئت اجرایی عالی اتحاد سوسیالیستی عربی جمهوری متحد عرب گفت:

«خلق عرب موضع گیری محکم و شرافتمندانه خلقهای اتحاد شوروی و نیز تمام ملل صلحدوست کشورهای سوسیالیستی را در پشتیبانی از بیکار قاطع کمونی خلق عرب سیاس میگوید و برای آن ارزش عالی قائل است.»

جشن تاریخی صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین برای همیشه در خاطره ملل جهان باقی خواهد ماند.

## خیابانی و قیام آذربایجان

دنباله از صفحه ۳

است.

خیابانی میگفت «مامیبریم بجهت این که دموکراسی ایران زنده شود» و وقتی که بنام خود و رفقای خود اعلام میکنیم که ما حاضر برای مردن در راه آزادی و استقلال هستیم، هم معنی «حاضر بون» هم «مردن» و هم معنی «آزادی و استقلال» را خوب میدانیم.»

خیابانی و همزمان او و پس از آنان صدها تن دیگر از باکترین و میهن دوست ترین فرزندان ایران بخاطر آرمانهای والای خود و در راه آزادی و نیکیبختی هم میهنان خود جسام شهادت نوشیدند. تجارب مثبت و منفی مجاهدان گذشته جانبازهای آنان درس آموزنده و گرانبهای برای مبارزان کنونی آزادی و استقلال ملی کشور ماست.

مسعود

## توجه

سخنان لنین  
در باره ایران  
بزرگان آذربایجان  
انتشار یافت

## درد به کارگران زندانی که به گناه مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی خود در زندانهای شاه بسر میبرند

### نجاوز بیشرمانه امریکا به کامبوج

دنباله از صفحه ۱

در هندوچین اعلام کردند. زیر فشار نیرومند این تظاهرات کمیسون خارجه امریکا و عده زیادی از اعضای کنگره، نیکسون را مورد استیضاح قرار دادند و سیاست او را ناقض قانون اساسی امریکا شمردند.

بیکار انداختن ماشین عظیم جنگی بزرگترین کشور سرمایه داری جهان با تمام نیرو علیه مردم بیگناه هندوچین، سوزاندن جنگلها و دشتهای خرم و سرسبز، نابود کردن شهرها و دهکدهها، مدفون کردن دهها هزار زن و کودک و مردم غیر نظامی زیر دریایی از آتش تانک و بمب و توپ و وسائل مرگ آور، چنان جنایت بزرگی است که نمیتواند وجدان بشریت را برینانگیزد. فقط صاحبان صنایع بزرگ و بلطجه سازی، انحصارهای سرمایه داری، رنرالهای پنتاگون و بطور کلی استعمارگرانند که فایده وجدان بشری هستند و سود خود را در ناپودی ملتها و کشورها جستجو میکنند. دلائل شرم آور نیکسون در سخنرانیهای پیاپی خود که برای فرو نشانیدن آتش خشم مردم امریکا ایراد میکند، بقدری بوج و ابلهانه است که نمیتواند احدی را قانع کند. او میگوید ما برای کشف مرکز ستاد «ویت کنگ» در داخل کامبوج، کوتاه کردن جنگ، نجات جان سربازان و حفظ افتخار پیروزی برای ارتش امریکا باین جنایت مبادرت کرده ایم! اولاً صرف نظر از اینکه وجود ستاد «ویت کنگ» در کشور دیگری چه کامبوج باشد و چه کشور دیگر مجوز هجوم و حمله بان کشور نیست، اخبار منابع امریکائی از جبهه جنگ تصریح میکنند که با وجود تصرف صدها کیلو متر مربع از خاک کامبوج و تبدیل آنها بصحرای سوزان، اثری از ستاد «ویت کنگ» بدست نیامده است. این امر از اول معلوم بود و نیکسون فقط برای توجیه اقدام خود (۱) بچنین دروغی دست زده بود. ثانیاً ادامه و توسعه جنگ در هندوچین چگونه میتواند بهمنی کوتاه کردن جنگ باشد؟ ثالثاً نجات جان سربازان امریکا جز از راه فرا خواندن آنها بامریکا و ترک جنگ چگونه ممکن است تأمین شود؟ رابعاً چه کسی جز آدم کشی چون نیکسون می تواند ادعا کند که قتل عام مردمی بی آزار در خاکی که هزاران کیلومتر از امریکا بدور است، افتخار آور و غرور انگیز است؟ با چنین منطقی است که پس از گلوله باران کنونی تظاهرات مردم امریکا و قتل فجیع چهار دانشجوی جوان و شش نفر دیگر و مجروح و زندانی کردن صدها نفر، نیکسون مردم را بآرامش دعوت میکند. اظهارات نیکسون باندازه های دیوانه وار بود که یکی از روزهای او استعفا داد. منابع امریکائی اینطلب را پنهان نمیکنند که حکومتشان دچار بحران شده و گروهی از سیاستمداران با تجربه نظیر هریس تصمیم نیکسون را حتی بشرر رژیم

خود یعنی سرمایه داری میدانند. واقعیت این است که جز ننگ و اقتضاح و سرانجام شکست چیزی در انتظار این سیاست نیست. مردم جهان و در پیشاپیش آنها اردوگاه سوسیالیسم خلقهای مظلوم و رزمنده هندوچین را در چنگال عفریت خون آشام امپریالیسم امریکا بیکه و تنها نگذاشته و نخواهند گذاشت.

مقاومت دلاورانه مردم ویتنام و کمک های بی دریغ و مؤثر کشورهای سوسیالیسی و در رأس آنها اتحاد شوروی و پشتیبانی میلیونها و میلیونها نفر مردم صلح دوست و مترقی جهان سالهاست که هوس پیروزی امریکا را در این گوشه از جهان بخیالی خام و باطل تبدیل کرده است. اینک نیز تشبثات مایوسانه نیکسون که بقیمت خون هزاران نفر انسان تمام میشود، نخواهد توانست افسانه پیروزی و افتخار را برای هارتترین قشر سرمایه داری امریکا بحقیقت تبدیل کند. جنبش نیرومند ضد امپریالیستی و صلح طلبانه ای که در سرا سر جهان گسترش یافته هر روز آگاهانه تر و مؤثرتر بتجاوزات امپریالیسم با مبارزات خود پاسخ میدهد. رئیس دولت اتحاد جماهیر شوروی رفیق کاسیگین ضمن مصاحبه خود اقدام تازه تجاوز کارانه امریکا را در هندوچین بشدت محکوم کرد. اعلامیه تاس و جراند شوروی همدردی دولت و مردم شوروی را با مردم کامبوج و آمادگی خود را برای ادامه کمک بخلفهای هندوچین خاطر نشان کردند. دولت شوروی تأثیر منفی سیاست امریکا را در تشدید وخامت اوضاع بین المللی بیان داشت و امریکا اخطار نمود که این اقدام و نظائر آن مانع بزرگی در راه حل مسائل جهانی که حفظ صلح وابسته بدانهاست میباشد. کشورهای دیگر سوسیالیستی و مردم نیکخواه جهان نیز بنوبه خود باشکال گوناگون سیاست امریکا را محکوم و همدردی خود را با خلقهای این منطقه بوسیله تظاهرات وسیع که در کشورهای سرمایه داری همراه بازد و خوردهای خونین بود، ابراز کردند. وعده های نیکسون مبنی بر اخراج نیروهای امریکا از کامبوج تا آخر ماه ژوئن ۱۹۷۰ و توضیحات مکرر رادیو-تلویزیونی و مذاکرات مستقیم او بوسیله تلفن با تظاهر کنندگان، نتوانست در جنبش وسیعی که در داخل علیه سیاست او بوجود آمده تخفیفی بدهد. اینک سیاست ترور بهمان شدتی که در خارج علیه مردم هندوچین اعمال میشود در داخل امریکا اجرا میگردد. روز دهم ماه مه نماینده ایالت ماساچوست را که مخالف سیاست نیکسون بود در خانه خود کشته یافتند. این نمونه ای از سیاست داخلی امریکا در مورد مخالفین جنگ است. اما علیرغم این سیاست از هم اکنون پیداست که شکست دردناکتری دامنگیر

### بما مینویسند

دنباله از صفحه ۲

اینکه تا آن تاریخ کارگران مبلغی جزئی بعنوان اضافه دستمزد دریافت میداشتند.

این تعدی بحق مسلم کارگران و قانون شکنی آشکار در بین کارگران ایجاد ناراحتی نمود و در نتیجه اعتراضات کارگران شروع شد. کارگران تصمیم گرفتند بطور دستجمعی و متحد از خود دفاع نمایند، برای این منظور آنها روز سه شنبه ۴ فروردین به محل کار خود آمدند، ابزار و وسائل کار را نیز گرفتند ولی اعلام نمودند تا مقررات جدید که غیر قانونی است لغو نشود کار را شروع نخواهند کرد.

وقتیکه کارگران تراشکار ماشینها را از کار انداختند و سکرت در ماشینخانه ها حکمفرما شد، همه کارگران در یافتند که لحظه مقاومت و همدردی و مبارزه فرا رسیده است. خبر نشستن ماشینخانه ها، بشکه سازی و تلمبه خانه ها سرعت تمام قسمتها رسید و تا عصر سه شنبه اعتصاب همگانی شد. کارگران همه جا درخواست میکردند که باید در طرح جدید طبقه بندی تجدیدنظر شود. وقتیکه رؤسای شرکت، فرمانداری و سایر مأمورین دولت با تهدید و خلبه خواستند مقاومت دستجمعی کارگران را در هم شکنند آنها همه با هم فریاد میزدند (ماده ۴۷ ج) منظورشان این بود که طرح طبقه بندی است که ما را بنشستن واداشته، در طرح تجدید نظر کنید فوراً ماشینها براه خواهد افتاد. نشست و خودداری کارگران از کار تا روز ۱۳ فروردین ادامه داشت و در این روز از طرف رؤسای شرکت نفت اعلامیه ای صادر شد و مقرر گشت که طرح مزبور اجرا نشود. در این روزهای همبستگی و مبارزه کارگران، عموم کارگران تجربیات درخشان آموختند. آنها فهمیدند که با اتحاد و مبارزه میتوانند از حقوق خود دفاع نمایند، میتوانند جلوی قانون شکنها و مظالم دستگامرا بگیرند و دوستی و برادری خود را عمیقتر نمایند. در این روزهای مبارزه همه بهم کمک میکردند، با هشیاری انقلابی و اتحاد دسسه های دشمنان کارگران را در هم میشکستند و نقشه های عوام فریبانه ضد کارگری را فاش میکردند.

اکنون کارگران شرکت نفت، کارگران آبادان و ماهشهر با استفاده از تجارب دوران ده روزه اعتصاب بیش از پیش بهم میوندند و برای بهبود شرایط کار و زندگی خود صمیمانه با هم همکاری میکنند.

امپریالیسم امریکا در هندوچین خواهد شد. خلقهای ویت نام و کامبوج و لائوس در جبهه واحدی با پشتیبانی مردم دنیا این درنده لجام گسیخته را از مرز و بوم خود خواهند راند و داغ پیروزی را بر دل سنگین امپریالیسم امریکا خواهند گذاشت.

### زندان و زندانیان . . .

دنباله از صفحه ۴ - ۵

این وجود در کلیه زندانهای کشور از دکتور و دارو و درمان خبری نیست و باوجود مراجعات مکرر زندانیان بیمار، سازمان امنیت از تأمین وسایل معالجه آنان خودداری میکند. در قبال اعتراض زندانیان گفته میشود که ما شما را اینجا آورده ایم که سالم بماند بلکه باید بیمار و علیل از زندان خارج شوید. برای نمونه عده ای از زندانیان تودهای از مدتها قبل بیمارند و هیچ اقدامی برای درمان آنان بعمل نمی آید.

حمایت از زندانیان سیاسی وظیفه میرم همه مبارزان ضد رژیم

رزمندگان پر شور که خود را در آتش مقاومت میسوزانند تا شعله مبارزه را روشن نگاهدارند حاضر به تسلیم نیستند. آنان با توسل به اعتصاب، با اعتراضات دسته جمعی، با ارسال نامه به مقامات قضائی و مراجع دولتی، با ارسال نامه به مراجع بین المللی پرده از سیمای رژیم فاشیستی شاه بسر میگیرند. اما مقاومت در درون زندان نباید با حمایت همه جانبه از خارج زندان هم در در مقیاس کشور و هم در عرصه بین المللی توأم شود تا نتیجه لازم بدست آید. زندانیان بند ۳ و ۴ زندان قصر در نامه خود مینویسند: «رژیم میخواهد زندانیان سیاسی با هر فکر و مرام سیاسی و اجتماعی را در زندانها نابود کند، ای ایرانیان متحداً از مبارزه ماحمایت کنید.»

در سند مهم کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری میخوانیم که: «باید برای نجات میهن پرستان و آزادیخواهان که خطر مرگ تهدیدشان میکند، علیه پیداکری داد گاهها نسبت به کمونیستها و سایر میهن پرستان هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین المللی مبارزه مستمر انجام گیرد. باید برای آزادی میهن پرستان و آزادیخواهانی که در زندانها رنج میکشند مبارزه شود.» آزاد مردان پیکار جوئی که برای دفاع از ارزشهای انسانی، برای حراست از استقلال میهن خود در برابر بیگانگان امپریالیست و مزدوران داخلی آنان فد برافراشته اند به حمایت نیازمندند باید هم برای نجات آنان مبارزه بیگیر و هم آهنگی را دامن زد و هم امر رساندن کمک به زندانیان و خانواده هایشان را سازمان داد. اگر کلیه نیروهای مخالف رژیم در این دو عرصه متفقاً عمل کنند گام بزرگی در دفاع از زندانیان استعمار برداشته شده است و نیروی عظیم پرخاش توده ها را به زندانیان و شکنجه گران نشان میدهد.

میتو

مرگ بر تجاوزکاران امریکائی، زنده باد مبارزه دلیرانه خلقهای هندوچین علیه امپریالیسم!

## درد به روحانیون آزادیخواه و همه زندانیان سیاسی که بندی استبداد هستند

### به هم‌رزم زندانی

بهر زندان که باشی، دور یا نزدیک، چون پرتو که از صحرا و از کوه و کمر ره میرد چالاک، نه از جاسوس او را بیم و نی از پاسباش باک، شکاند با روی تاریک و سنبند میله آهن، بگرمی میترود از خلال رخت و روزن.

بسوی تو، بسوی دوست، می‌پوید درود ما.

در آندم، کاندن آن زندان، چنان تنهایی و بیکی که گویی آشنائی در همه عالم نینداری؛ چنان بی‌رواق و مرده است پیرامون، که پنداری ندارد هیچ‌کس این سرنوشت تیره پایانی؛ در آندم، بیگمان میباش ای هم‌رزم زندانی بیاد تو، برای تو است، پرخاش و سرود ما.

چو یک شهباز خونین باک بر این عرصه غمگین پروازیم، تیر دشمنان از هر سوئی بران، گویی بر خاک محنت پنجه می‌انیم، دیگر که دوباره اوج میگیریم با نیروی جاویدان، که بیزاریم از نالیدن یسود نزمیدان.

چه خوش فرمود این اندرز را دهقان بدر افشان چه بیم از رنج امروزی چو باشد گنج فردائی، همانا نیست تردیدی که در یک صبح رؤیائی بشادی در دیار آرزو باشد فرود ما.

ستمگر گر بیخوت سوی تو بیند، دل سرکش ز تن بر کش، بته بر کف، بگو مغرور: در گیتی، بجز یک قلب پر از مهر انسانهای رحمتکش چه دیگر خواستاری حاصل از بود و نبود ما.

۰ . ۱ . ۰



« عملیات نیکسون در کامبوج آشکارا بکار بردن بشرمانه اعمال زور نظامی بشیوه جنک برق آسای هیستلری است. غنیمتی که از این مهاجمه بدست می‌آید بسیار رقت انگیز است. خواربارهای مصادره شده (خواربار چه کسانی؟) کلبه‌های ویران شده (چه کلبه‌هایی؟) انسانهایی کشته شده اند (کدام انسانها؟) . »

(روزنامه بورژوازی انگلیسی «نیو استیتسمن»)

### اطلاعیه

#### کمیته مرکزی حزب توده ایران

با اینکه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیه رسمی که در آذرماه ۱۳۴۸ منتشر ساخت صریحاً و قویاً اخبار معمول مطبوعات ارتجاعی ایران را درباره «همکاری» ادعائی حزب ما با تیمور بختیار تکذیب نمود، باز اخیراً روزنامه‌های سرسپرده‌ای چون اطلاعات و کیهان و آیندگان بدستور سازمان امنیت همان اخبار دروغ‌نرا با جلای تازه‌ای انتشار داده و این بار مدعی شده‌اند که گویا دبیر اول حزب توده ایران دکتر رضا رادمنش با تیمور بختیار همکاری نزدیک داشته و حتی در ضیافت رئیس سابق سازمان امنیت شاه که اکنون نظر بدلائل معلوم مورد غضب قرار گرفته حضور بهم رسانده است.

هدف تجدید مطلع روزنامه‌های مزدور دربار و نوکران گوش فرمان سازمان امنیت و اشاعه این قبیل اخبار سراپا دروغ از جانب رژیم ضد ملی و ضد آزادی کنونی علیه حزب توده ایران بر همگان روشن است. مقالاتیکه روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و دیگر نوکران حلقه بگوش سازمان امنیت شاه در این باره منتشر نموده‌اند، بقدری مبتذل و سرهم بندی است که روی گزارشهای مأمورین شهربانی در گاهی و مختاری را سفید میکنند و بهمین سبب نیز ارزش آنکه جز تکذیب چیز دیگری درباره آنها گفته شود ندارند.

اما آنچه در این ماجرا بیش از همه شایان توجه است همداستانی تمام عیار کسانی است که بنام سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور اعلامیه پخش میکنند و زیر پرچم مائوتسه تونگ آب باسیای سازمان امنیت شاه میریزند. ایشان که بجای مبارزه با امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی، عمده وظیفه خود را بیکار علیه حزب توده ایران قرار داده‌اند بگمان خود خواسته‌اند از این آب گل آلود ماهی بگیرند و راه خسروچی برای جبران شکست‌ها و نابسامانیهای خود بیابند، بهمین سبب اخبار معمول سازمان امنیت و روزنامه‌های منتسب به آنها بمثابة سکه نقدی پذیرفته

بی چون و چسرا همان دروغها را بصورت اعلامیه‌ای منتشر ساخته‌اند. بدین طریق سازمان امنیت در وجود این آقایان انقلابی‌نما بهترین متحدین و ناشرین افکار خود را یافته است. این پدیده‌تازگی ندارد. در نهضت جهانی کارگری همه آنها که از اصول صحیح انقلابی عدول کرده و انحرافات چپ و راست را جانشین اصول فناناپذیر مارکسیسم-لنینیسم قرار داده‌اند، سرانجام در منجلاب خیانت و لجن زار همکاری علنی یا پنهانی با ارتجاع و امپریالیسم فرو رفته‌اند. این باصطلاح سازمان انقلابی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۹ - ۸ مه ۱۹۷۰

#### هدفهای پنهانی پرواز «آپولو ۱۳»

جهانیان از بازگشت فضانوردان امریکائی پس از گذراندن خطری که تدارک ناقص و عجولانه موجب آن بود خرسند شدند. اینکه نقص تدارک ناشی از چگونگی نجات ناپاکسی بود امری است که خبرنگار معروف امریکائی «هری س. شوارتز» در شماره ۱۴ آوریل ۱۹۷۰ روزنامه امریکائی «نیویورک هرالد تریبون» که قبل از ناکسی پرواز آپولو ۱۳ نوشته است، آنرا آشکار میکند.

\*\*\*

روز چهارشنبه که «آپولو ۱۳» پرواز کرد روز سوبتیک لنینی در شوروی بود، یعنی روزی که اتباع وفادار یکروز کامل کار را مجاناً بکشور خود می‌بخشند. پرواز موفقیت آمیز هم‌زمان سومین کشتی فضائی امریکائی طبیعتاً میتواند از شور و شوق آن عده از اهالی مسکو که خبر را از «کیپ کندی» میشوند، بکاهد.

اما روز دوم پرواز «آپولو ۱۳» روز برقراری جشن فضا نوردی در شوروی است و سالگرد پوری گاکارین اولین مرد فضا بریا میشود. این واقعتی که فضانوردان امریکائی در آن روز بسوی ماه میروند نمیتواند جشن فضانوردان شوروی را مختل نکند.

و سرانجام چشم مردم جهان هفته آینده به «آپولو ۱۳» دوخته‌است و شاهد کوششی خواهند بود که برای وسیعترین واریسی محیط ماه انجام خواهد شد، امری که در تاریخ پساباقه است. ولی موافق نقشه شوروی از دو سال پیش نیمه آوریل ۱۹۷۰ درست آن موقعی است که چشم جهانیان باید با یک هیجان فزاینده به تناسب نزدیک شدن صدمین سال تولد میلاد لنین بسوی مسکو دوخته باشد.

از همه بدتر برای مسکو آنست که بازگشت فضانوردان «آپولو ۱۳» بزمن یک روز پیش از میلاد لنین رخ خواهد داد، درست در آن ساعتی که دبیر اول برژنف باید بیاد بنیاد گزار سیستم شوروی بسخترانی بزرگی دست زند.

#### توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین بزبان فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد. جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت.

#### تعمیر شماره حساب بانکی

#### پیک ایران

شماره حساب بانکی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است:

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N: 0 400 126 50  
Dr. John Takman